

# اطلاعیه پایانی چهل و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲



# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۳۵

جمعه ۲۲ آذر ۱۳۹۲، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۳

## مرگ نلسون ماندلا، پایان یک دوره

بهروز مهرآبادی

صفحه ۵

## آیا فریاد رسی هست؟

کمیته بین المللی علیه اعدام  
نهاد کودکان مقدمند

صفحه ۸



## بعد از ژنو

کاظم نیکخواه

صفحه ۳

## مواظب باشید،

## دستهایشان خونین است!

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

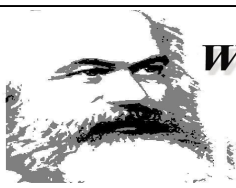
صفحه ۶



## بودجه ضد شورش دولت روحانی!

محسن ابراهیمی

صفحه ۴



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wcpiran.org

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## اطلاعیه پایانی چهل و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



گزارش هیئت اجرایی حزب دستور دیگر پلنوم بود که همراه با گزارش عرصه های مختلف فعالیت حزب، کتبا توسط اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی به پلنوم ارائه شده بود و در پلنوم به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اصغر کریمی در گزارش خود پیشروی حزب در عرصه های مختلف فعالیت در داخل کشور، خارج و کردستان، نشریات حزب، تلویزیون کانال جدید، فعالیت های مالی حزب و کمیته ها و فعالیت های بین المللی حزب را مورد بررسی قرار داد و بر ضرورت تمرکز رهبری

حزب بر خود حزب بعنوان یک پدیده سیاسی مهم در حیات سیاسی کشور تاکید کرد.

پلنوم چهل و یکم کمیته مرکزی حزب در روزهای ۷ و ۸ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۶ و ۱۷ آذر ۱۳۹۲) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعدادی از مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، به یاد رفیق عزیز علی مرادی که درماه اوت امسال درگذشت، و به یاد عزیز منصور حکمت شروع شد و در طی دو روز مباحث فشرده در فضایی پرشور و همبسته به کار خود پایان داد.

دستور اصلی این پلنوم درمورد مبارزه حزبی در عرصه قدرت سیاسی بود که توسط حمید تقوایی ارائه شد. وی در سخنان خود بر این تاکید کرد که در کنار تبیین و تحلیل و جهتگیری نظری-سیاسی، و عرصه های پراتیک مبارزاتی و اجتماعی حزب، باید مبارزه معطوف به قدرت سیاسی را قرار داد که گرچه با دو مولفه دیگر مرتبط است اما مستلزم اقدامات و فعالیتهای مستقل و ویژه ای است که باید مثل هر عرصه دیگری از فعالیت حزب تبیین و تعریف شود و در دستور کار حزب قرار بگیرد. متن این بحث جداگانه منتشر خواهد شد.

گذاشت. او همچنین بر این ضرورت تاکید کرد که پلنوم فعالانه تر و منظم تر فعالیتهای دفتر سیاسی را مورد بررسی و موشکافی قرار دهد و از این طریق به بهبود هرچه بیشتر مباحث و مصوبات و فعالیتهای دفتر سیاسی کمک کند.

اعضای کمیته مرکزی و مشاورین و کادرهای حاضر در پلنوم فعالانه حول گزارش و مباحث سیاسی پلنوم به بحث و اظهار نظر حول آن پرداختند و بحث ها و پیشنهادات سازنده ای در زمینه های مختلف ارائه دادند.

در مبحث قرارها يك قرار در زمینه مساله مالی حزب به تصویب پلنوم رسید و حول آن بحثهای بسیار خوبی مطرح شد که امیدواریم بتواند به حل مشکلات مالی حزب کمک کند. قرارهای دیگر بدلیل ضیق وقت از دستور خارج شد.



در مبحث انتخابات حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد. همچنین ۲۳ نفر به عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که به ترتیب عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، مصطفی صابر، حسن صالحی، مرتضی فاتح، جمیل فرزنان، اصغر کریمی، عبدال گلپریان، شیوا محبوبی، نوید مینایی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان رسید.

در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد کاظم نیکخواه به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ دسامبر ۲۰۱۳  
۲۰ آذر ۱۳۹۲

## بعد از ژنو

### کاظم نیکخواه

ژورنالیستها معمولا در میان مردم آدمهایی روشنفکر ارزیابی میشوند. اما در سیاست و در تحلیل، عبارت "برخورد ژورنالیستی" به معنای برخورد سطحی بکار برده میشود. دلیلش هرچه باشد این ارزیابی تا حد زیادی درست است. کسی که تحلیل و آینده نگری را از ژورنالیستها بگیرد، مطمئن باشید که به سطحی گری و کوتاهی نظری و اشتباه می افتد. بگذارید این را هم روشن کنم که بحث من بر سر ژورنالیسم رسمی و بستر اصلی است. یعنی ژورنالیسمی که خود را "بیطرف" قلمداد میکنند اما آشکارا نماینده سیستم و دولتها و سیاستهای حاکم است.

در مورد کشاکش اتمی جمهوری اسلامی با غرب این روزها عینا همین را شاهدیم. موجی راه افتاده است که به دلیل روی کار آمدن آخوندی بنام حسن روحانی تمام کشاکش غرب و جمهوری اسلامی دارد تمام میشود. گویی ۳۰ سال کشاکش و تهدید و تحریم و غیره به دلیل این بوده است که آخوندی مثل روحانی رئیس جمهور نبوده است. ظاهر قضایا هم این را تأیید میکنند. نمایندگان دوطرف در ژنو روبروی هم نشستند و به هم دست دادند و شوخی کردند و به شیوه "ظریفی" مقابل هم غش و ریسه رفتند و بعد هم يك توافق پر سر و صدا را امضا کردند و قرار است باز هم مذاکرات ادامه پیدا کند و همه چیز روپراه شود. این ها خبر و فاکت یکی دو هفته پیش است.

اما خبرهای این هفته چیست؟ دیروز نمایندگان دوطرف برای آماده کردن مقدمات دیدار بعدی در تهران با هم ملاقات کردند اما در همان قدم اول از

مذاکرات پس کشیدند و راهشان را کشیده و رفتند. بی بی سی تیتراش امروز اینست که "گفتگوهای کارشناسی ایران و ۵+۱ متوقف شد". وزیر امور خارجه آمریکا هم سه روز قبل اعلام کرد که اگر ایران توافقات را نقض کند پاسخ نظامی جلو کشیده میشود. و دو روز قبل هم گفت که اگر جمهوری اسلامی از حکومت اسد و گروه حزب الله حمایتش را ادامه دهد، تحریمها نه فقط کم نخواهد شد بلکه تشدید خواهد شد. و يك روز قبل هم به شرکتهای نفتی اخطار داد که هیچ چیز تغییر نکرده است و اگر با ایران وارد معامله و مذاکره تجاری شوند مورد مجازات اقتصادی آمریکا قرار میگیرند. سنای آمریکا هم دارد طرح تشدید تحریمها را آماده میکند. در ایران هم نمایندگان مجلس اسلامی خواهان استعفای محمد جواد ظریف از پست وزارت امور خارجه شدند. زیرا معتقدند او در نخ دادن به دولتهای غربی و آمریکا زیاده روی کرده است و نمونه های بسیار بیشتری از این دست در هردو طرف وجود دارد.

اما با وجود این هنوز وقتی شما به اخبار بی بی سی و صدای آمریکا و امثال اینها رجوع کنید، مفسرین کذابی شان چنان تصویر میدهند و تحلیل میکنند که گویا دوره صلح و صفای غرب و جمهوری اسلامی شروع شده است. بخشی از ابویسیون هم به دنبال این موج روان گشته اند و از يك حکومت اسلامی "متعارف" و يك فضای صلح و دوستی میان غرب و جمهوری اسلامی و سرمایه گذاریهای گسترده و امثال اینها سخن میگویند.

این را هم باید تأکید کرد که اگر واقعا خطر جنگ و کشاکش

نظامی که سالهاست بالای سر مردم ایران قرار داشته، کنار رود باید نفس راحتی کشید. اگر تحریمهای اقتصادی از گرده مردم کنار زده شود قاعدتا به نفع مردم محروم است. اگر جمهوری جنایتکار اسلامی از دستیابی به سلاح اتمی بازداشته شود بسیار مثبت است. اما کوتاه نگری است که کسی فکر کند یا باور کند که کشاکش و بحران مناسبات جمهوری اسلامی و غرب به دلیل کم عقلی طرفین بوده است و در دوره کنونی بدون هیچ دلیل روشنی عقل و درایت بر این مناسبات حاکم شده است! این آن چیزی است که ژورنالیسم رسمی سعی میکند به خورد مردم بدهد.

ما از ابتدای راه افتادن موج روحانی گرایی تلاشمان این بوده است که این فریبکاری را افشا کنیم. تلاشمان این بوده است که نشان دهیم که این تلاشی است برای اینکه برای حکومتی که به بحران و بن بست رسیده است يك بار دیگر عمر بخرند. و تلاشمان این بوده است که نشان دهیم که بحران جمهوری اسلامی و غرب به دلیل معضلات جدی ای است که دوطرف با آن درگیرند و این معضلات همچنان بر جای خود باقی است. بویژه جمهوری اسلامی به دلیل اینکه فرجه ای برای مانور و عقب نشینی ندارد، با معضلات بسیار جدی ای در زمینه سازش با غرب مواجه است. در نتیجه جنجالی که بر سر حل معضلات جمهوری اسلامی با دولتهای غربی به راه افتاده يك فریبکاری بیش نیست. آیا نشانه های به بن بست رسیدن مذاکرات و توافقات از هم اکنون قابل مشاهده نیست؟ آیا همین نمونه هایی که در بالا اشاره شد نشان

نمیدهد که جشن صلح و صفا میان غرب و جمهوری اسلامی بی موقع راه افتاده است؟ ما گفته ایم و اینجا هم خلاصه وار تأکید میکنم که سران جمهوری اسلامی با رسیدن به ورشکستگی کامل اقتصادی و فضای نارضایتی گسترده عمومی، بسیار مایلند که در برابر آمریکا و غرب به عقب نشینی های جدی دست بزنند. و غرب نیز مایل است که حکومت اسلامی را با همین هیبت جنایتکارانه و متحجر و اسلامی اش در آغوش بگیرد. اما مشکل اصلی هیچگاه تمایل طرفین نبوده است. بلکه موانع و مشکلات جدی ای بر سر راهشان است که باید آنها را دید و ارزیابی کرد.

### سلاح اتمی مساله اصلی نیست

در اجرای همه جانبه تحریمهای اقتصادی اخیر دولت آمریکا نقش اساسی و کلیدی را ایفا کرده است. و در نتیجه این دولت در این مذاکرات و کشاکش معین در این دوره حرف اول را میزند. در این هیچ تردیدی نیست. و برای آمریکا هیچ وجه مساله اتمی جمهوری اسلامی مساله اصلی نیست. بلکه دست کشیدن جمهوری اسلامی از سیاست ضد آمریکائی گری مساله اصلی است. به احتمال زیاد دولتهای فرانسه و آلمان و بدرجه ای انگلستان با عقب نشینی جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی و ایجاد فضای غرب دوستی، مشکلمان حل میشود. چون آنها فی الحال و قبل از این تحریمها در ایران حداقل از نظر اقتصادی و بازرگانی جای پای نسبتا محکمی داشته اند. روسیه و چین هم مشکلی با مساله اتمی

جمهوری اسلامی ندارند. اما همانگونه که این را بارها تأکید کرده ایم دولت آمریکا صرفا "زحمت" نکشیده است که پروژه اتمی جمهوری اسلامی تعطیل شود و اوضاع برای بازگشت دولتهای اروپایی و روسیه و چین به بازار ایران آماده تر از قبل شود. بلکه در پی آنست که سرمایه آمریکائی و دیپلماسی آمریکائی را وارد ایران کند. این کلید حل بحران از نظر طبقه حاکمه آمریکاست. وقتی کری میگوید جمهوری اسلامی باید دست از حمایت از اسد و حزب الله بردارد، دارد همین حقیقت را که ما گفته ایم تأیید میکند. این یعنی جمهوری اسلامی باید اساسا سیاستهای تروریستی اش را در سوریه و لبنان و عراق و افغانستان و غیره کنار بگذارد. فضای ضد آمریکائی گری در ایران را پایان دهد. و تضمین کند که با ساز آمریکا در منطقه خواهد رقصید. اما این برای جمهوری اسلامی به معنای خودکشی است. با اولین قدمی که این حکومت در این راه بردارد صفوفش به شدت از هم می پاشد و مردم نیز علیه آن قطعا شورش خواهند کرد. به همین دلیل در برابر فشار دولت آمریکا مقاومت خواهد کرد. و در نتیجه بحران ادامه خواهد یافت. روشن است که افت و خیزها و کشاکشها و توافقات و جنجالهای بسیاری را در این مسیر شاهد خواهیم بود. اما این ساده ترین بیان اوضاع پیچیده کنونی است. عده ای بنفع شان است که این حقایق را لاپوشانی کنند و آینده روشنی برای حکومت اسلامی شان ترسیم کنند. عده ای هم بازی در سطح و شنا در جهت موجی که ژورنالیسم نان به نرخ روز خور بره انداخته را بی خطر و امن تر از دیدن فاکتورهای عمقی تر می پندارند. اما به گمان ما هرکس که به هر دلیلی نمیخواهد این حقایق را ببیند باید صبر کند تا روشن تر و واضح تر رویدادهای واقعی جلوی چشمش به رقص در آیند و غافلگیرش کنند.\*

## بودجه ضد شورش دولت روحانی!

### این حکومت را با شورش و انقلاب باید به پایین کشید!

محسن ابراهیمی

دولتی که خود شخصا در این جنایت سازمانیافته سهم داشته است و برای نجات جمهوری اسلامی آستین بالا زده است البته انتظار همین است که میبینیم. انتظار این است که بودجه اش را برای مقابله با شورش، مقابلا با خطر احتمالی انقلاب تنظیم کند و باید با شورش و انقلاب به سراغ چنین حکومتی رفت.

این روشن است که دولت روحانی، شخصیتها و جریانهای متعلق به "اپوزیسیون اصلاح طلب" (حامیان اصلاح و حفظ حکومت اسلامی) را که شغلشان خاک پاشیدن به چشم مردم است حتی بیشتر از خاتمی روسپاه خواهد کرد. همان ملی - اسلامیهایی که زمانی در باد عباي رفسنجانی و خاتمی خوابیدند و برای مردم وعده روزهای خوش زیر نظر پریزیدنت رفسنجانی و خاتمی دادند، امروز دقیقا همان چرندیات سیاسی را در باره روحانی تکرار میکنند. نزدیک به ۴۰۰ اعدام در ۱۰۰ روز و همین بودجه به وضوح نشان میدهد که راه نجات مردم تف کردن به این "اپوزیسیون" حقیر و بیشمر و واژگون کردن کل این حکومت با تمام دار و دسته اصولگرا و اصلاح طلبش است. راه مردم در اختیار گرفتن سرنوشت اقتصادی و سیاسی بدست خودشان است.

وقتی مردم اختیار سیاسی خود را بدست بگیرند؛ وقتی کارگران و جوانان و زنان و بیکاران و میلیونها انسان دردمند محروم از طریق شوراهایشان قدرت و اراده خود را اعمال کنند؛ وقتی کارگران و همه شهروندان جامعه خود را به صورت قدرت سیاسی سازمان دهند؛ تنها آنگاه است که خواهند توانست منابع و ثروت عظیم کشور از چنگال لاشخوران میلییادار اسلامی حاکم در بیاورند و برای تامین رفاه و خوشبختی همه شهروندان این جامعه سازمان دهند.\*

انسانی عظیمی از خود برجای میگذارد.

در مملکتی که در زمینه "رکود تورمی" رکورد شکسته است (نرخ تورم بالای ۴۰ درصد است و رشد اقتصادی ۶ درصد منفی است)؛ در کشوری که افزایش شاخص فلاکت بالای ۵۰ درصد است (نرخ متوسط فلاکت در جهان ۱۰ درصد است)؛ در کشوری که بنا بر آمار رسمی خود حکومت، سرعت بیش از ۵ میلیون بیکار به صف بیکاران موجود خواهند پیوست؛ در کشوری کلیه پدر را میفروشنند و رحم مادر را اجاره میدهند تا نان به سفره کودکانشان بیآورند؛ در کشوری که میلیونها کودک به جای تحصیل به کودکان کار تبدیل شده اند؛ در کشوری که مدرسه های کودکان به کوره های آدمسوزی تبدیل شده است؛ در کشوری که کارگزارانش دو وعده کار میکنند و نمیتوانند یک وعده غذا بخورند؛ در کشوری که آلوده ترین شهر جهان را دارد و مرگ و میر از آلودگی هوا بیداد میکند؛ در کشوری که ابعاد عظیم تن فروشی و اعتیاد چهره زندگی را غم انگیز تر و دردآور تر کرده است؛ در کشوری که بیمارانش از بی دارویی می میرند؛ در کشوری که حتی حاصل رنج سالیان دراز پیرزنان و پیرمردانش را آدمکش حرفه ای مثل سعید مرتضوی و وکلا و وزرای هم جرمش بالا میکشند؛ در چنین کشور و چنین وضعیتی دولتی سرکار آمده است و بودجه ای اعلام کرده است که به جای کوچکترین تغییر در این تراژدی انسانی، کنترل عواقب سیاسی اش را در دستور قرار داده است. از رئیس

"لیبرال" سر به دولت "اعتدال" و آرزو بدل مانده های طرفدار متعارف شدن جمهوری اسلامی توسط پرزیدنتهای اصلاح طلب، در باره نیاز جامعه برای تحمل ریاضت اقتصادی بیشتر و سفت تر کردن کمربندها منبر میروند؛ بودجه دولت روحانی بالاترین سهم درآمدها را به نیروهای ایدئولوژیک، نظامی، انتظامی، اطلاعاتی، امنیتی و البته وزارت خارجه (پای اصلی مشروعیت دادن به حکومت آدمکشان در جهان) اختصاص داده است.

بودجه ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، مجلس اسلامی، شواری نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، صدا و سیما و وزارت خارجه به طور متوسط ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. اینها سازمانها و نهادهای کلیدی جمهوری اسلامی هستند. اینها اهرمهای اصلی کنترل و جاسوسی و سرکوب هستند. اینها روی هم نیروهای ضد شورش حکومت اسلامی هستند. فعالترین صف ضدانقلاب اسلامی هستند. حکومتی که با کابوس انقلاب ۸۸ شب را به روز میرساند و خود را آماده مقابله با خیزشی عظیمتر و قدرتمند از ۸۸ میکند، نمی تواند هیچکدام از این نهادها را دست کم بگیرد. بودجه دولت روحانی هم دقیقا همین واقعیت را منعکس میکند.

وقتی این بودجه را در کنار وضعیت واقعی مردم قرار میدهیم این حقیقت برجسته تر میشود که حتی یک روز دوام این حکومت چه لطمات و صدمات

حاکم در جمهوری اسلامی را از ثروت اندوزی محروم نکرده است اما در عین حال از یکطرف هم چشم انداز اقتصادی دراز مدت کل بورژوازی ایران را تیره کرده است و هم مشخصا این طبقه و حکومت اسلامی را با خطر جدی شورش گرسنگان مواجه کرده است. حکومتی که بقای سیاسی اش در خطر است قبل از هر چیز باید برای حل معضل بقا چاره اندیشی کند. این مساله آنقدر جدی است که جمهوری اسلامی را مجبور کرد در قالب "توافق ژنو" به یک تسلیم خفت بار به "شیطان بزرگ" تن دهد تا اولاً منفذهای بسته شده چپاول اقتصادی را باز کند و ثانياً و مهمتر از اولی خطر بی ثباتی سیاسی را از سر بگذراند.

بودجه دولت روحانی، اگر چه میخواید به نیاز کل بورژوازی ایران برای سود آوری پاسخ دهد و در میان آرزومندان متعارف شدن سرمایه داری ایران و جمهوری اسلامی امیدهایی برانگیخته است، اما هم اقتصاد جمهوری اسلامی فروپاشیده تر و در هم ریخته تر از آن است که بتوان با تغییرات جزئی در تخصیص منابع مالی، مثلاً گرایش به توسعه بخش تولید و خصوصی کردنهای بیشتر سر و سامان پیدا کند و هم جمهوری اسلامی تا جمهوری اسلامی است نمیتواند به این نیاز بورژوازی پاسخ بدهد. این بحث مفصلتری میخواید که میتوان در مطلبی دیگر به آن پرداخت. اینجا فقط روی این جنبه تمرکز میکنیم که مثل توافق ژنو، بودجه دولت روحانی اساسا متاثر از خطر بی ثباتی سیاسی کل حکومت است.

در حالیکه اقتصاددانان

بودجه دولتهای سرمایه داری فقط در ظاهر یک برنامه ریزی اقتصادی است. پیش بینی درآمدها و هزینه ها و تخصیص منابع مالی برای عرصه های مختلف. حتی اگر بودجه فقط کارکرد اقتصادی داشته باشد، هدف بودجه هر دولت سرمایه داری، تخصیص و توزیع منابع و امکانات کشور در جهت سازماندهی بهره کشی از کارگران و انباشت سرمایه است. بودجه باید کمک کند کار برای سرمایه سودآوری کند. اما بودجه مخصوصا در حکومت اسلامی در عین حال و بلافاصله از مولفه های ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی عمیقا متاثر است. هم به این دلیل کلی که سرمایه باید کشمکش طبقاتی تعطیل ناپذیر در جامعه را به نفع خود فیصله دهد. باید جامعه را فریب دهد، سرکوب کند و ساکت نگه دارد. باید امنیت دولت سرمایه داری را تامین کند تا آن دولت هم به نوبه خود بتواند امنیت طبقه سرمایه دار را حفظ کند. اما مضاف بر همه این دلایل کلی، جمهوری اسلامی به مثابه یک حکومت در بحران است. امنیت خود این حکومت مساله است. بقای سیاسی اش مساله است و نتیجتا بودجه اش - مستقل این اینکه دولت وقت عبوس است یا لبخند بر لب - باید به این نیاز جواب دهد. بودجه دولت روحانی هم مثل همه دولتهای برادران سابق اسلامی اساسا برای تامین نیازهای امنیتی حکومتی که چشم انداز سیاسی اش تیره است تنظیم شده است. میدانیم که اقتصاد جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است. این مساله اگر چه هزار فامیل

## مرگ نلسون ماندلا، پایان یک دوره

بهروز مهرآبادی



انکار کنند و هر روز خبر تازه ای از دزدی ها و چپاول های مقامات دولتی منتشر میشود. میزان بیکاری به ۴۰ درصد رسیده است و بنا به گزارش ها و آمار رسمی شکاف طبقاتی از دوران آپارتاید فراتر رفته. در کشوری که غنی ترین معادن طلا، الماس و سایر معادن ارزشمند و منابع کشاورزی فراوان را دارد گرسنگی، بیماری و بیخانمانی بیداد می کند و جامعه در حالت انفجار بسر می برد.

نزدیک به دو دهه از برچیده شدن آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی میگذرد. نلسون ماندلا به چهره شاخص و برجسته این واقعه مهم تاریخی تبدیل شده است. باید به احترام او و انسانهای شریف بیشماری که در طول سالها در این مبارزه عظیم شرکت داشتند، بپا خاست و یاد آنها را گرامی داشت. اما بدون شك نکتی که امروز بر آفریقای جنوبی حکمفرما است بیانگر آرمانها و آرزوهای این انسانها نیست. پایان یافتن آپارتاید نژادی این فرصت را فراهم کرد تا چهره کثیف و خشن آپارتاید طبقاتی و توحش نظام سرمایه داری آشکارتر شود. مبارزه ای که کارگران و مردم آفریقای جنوبی درگیر آن هستند، شکل دیگری بخود گرفته است. در مبارزه ای که جریان دارد، رنگ پوست مطرح نیست. این مانع بزرگ از سر راه مبارزه طبقاتی برداشته شده است. اکنون کارگران سیاه و سفید و رنگین پوست می توانند در یک صف متحد برای تحقق خواستههای خود در مقابل سرمایه مبارزه کنند. میلیونها مردم آفریقای جنوبی، کارگران معدن، پرستاران، کارگران الکتریک، کارگران حمل و نقل و... این کشور اکنون بطور مستقیم در مقابل غول سرمایه قرار گرفته و چشم در چشم آن دارند. برای آنها مرگ نلسون ماندلا بیان کننده واقعیت و هدف مبارزه ای است که بیش از یکصد سال ادامه داشته است. آزادی، برابری، رفاه و کرامت انسانی!<sup>۱</sup>

ماموران امنیتی، شکنجه گران و زندانبانان انجام شده بود، سکوت شد و پرونده صدها هزار مورد قتل عام، کشتار، تجاوز، زندان و تحقیر و توهین و آزار مردم، بسته ماند.

بی تردید نفس برچیده شدن سیستم آپارتاید نژادی از صحنه آفریقای جنوبی یک دستاورد مهم و با ارزش جنبش ضد آپارتاید است که نلسون ماندلا آنرا نمایندگی و رهبری میکرد. اما وجود یک سرمایه داری هار و شدیداً استثمارگرانه که اکنون در این کشور حاکم است از کمبودهای این جنبش و نلسون ماندلا رهبر آن بود. جنبش ضد آپارتاید نمیتوانست به یک جنبش رادیکال ضد سرمایه تبدیل شود و بطور واقعی این ظرفیت را در مقاطع مختلف از خود بروز داده بود. ماندلا کمک کرد که جنبش ضد آپارتاید از محدوده محدود خود فراتر نرود، و نرفت. این بزرگترین دستاورد نلسون ماندلا برای همه آن مقاماتی است که در مراسم تدفین او شرکت کردند و او را به عنوان قهرمان ستودند.

مراسم با شکوه تدفین ماندلا با حضور تعداد زیادی از حاکمین جهان و یا نمایندگان آنها در ژوهانسبورگ در حالی برگزار شد که نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش در بسیاری از حلسی آبادهای محل سکونت کارگران، مستقر هستند. قاتلان ۳۴ کارگر معدن ماریکانا که در ماه اوت سال گذشته در مقابل دوربین های فیلمبرداری رسانه ها قتل عام شدند، آزادانه به کار خود ادامه می دهند، فساد، رشوه خواری مقامات و نهادهای مختلف دولتی آشکارتر و وقیحانه تر از آن است که حتی نزدیکترین حامیان حکومت آنرا

منگی دوران پروستریکا بسر میبرد و نیروهای رادیکال و مترقی درون خود را هم به معجزه بازار آزاد، امیدوار می کرد. وقایعی چون ترور لیدر حزب کمونیست کریس هانی که شخصیتی رادیکال و محبوب در میان مردم بود، شرایط مساعدی برای ابراز وجود ناسیونالیسم، مصالحه با سرمایه داری و قدرتگیری فراهم کرد.

تحسین و تمجید باراک اوباما، آنگلا مرکل، دیوید کامرون، فرانسوا اولاند و سایر سردمداران جهان سرمایه داری از نلسون ماندلا بیدلیل نیست. ماندلا نقدی به نظام سرمایه داری نداشت و مهمترین هدفش کنار مقابله با تبعیض نژادی بود، سازش ماندلا در راس نیروهای ناسیونالیست کنگره ملی آفریقا با رژیم آپارتاید متضمن دست نخوردن نهاد های اصلی سرمایه داری و ارتش بود. تا پیش از این توافق که ماندلا و بسیاری از رهبران کنگره ملی خطری برای مناسبات سرمایه داری در آفریقای جنوبی بشمار می رفتند و حتی تا سال ۲۰۰۸، نام آنها در لیست سیاه تروریستی آمریکا قرار داشت اما احترام به مالکیت و وفاداری به سیاستهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای آمریکا تضمین کافی برای حذف نام آنها از این لیست بود. سیاست عفو و بخشش رسماً بر جنایات بیشمار نهادهای و شخصیت های مختلف رژیم سابق و دولت های خارجی حامی آن، سرپوش گذاشت. سرمایه داران، بانکداران، صاحبان معادن و زمینداران بزرگ از دسترس انقلاب مصون ماندند. در باره کشتارها و جنایاتی که توسط افسران ارتش،

نکرد. در تاریخ نویسی رسمی دولتها و رسانه های بورژوازی کمتر به تاریخ مبارزه ضد آپارتاید و آرمانها و خواسته های آن پرداخته میشود. در پیشبرد این مبارزه کمونیستها و اتحادیه های کارگری نقش عمده ای داشتند، امری که نلسون ماندلا بارها یادآوری کرد، و مهمتر از همه حمایت توده ای مردم آفریقای جنوبی و افکار عمومی مردم شرافتمند جهان پشتیبان آنها بود. مردم آفریقای جنوبی برآورده شدن خواستههایی نظیر برچیده شدن بساط استثمار و کسب آزادی، رفاه و برابری را در کنار برچیده شدن بساط تبعیض نژادی خواستار بودند و دهها سال در سرلوحه مبارزات خود قرار داده بودند. یک جنبش انقلابی در آن کشور آغاز شد که پایه ها و اساس سرمایه داری حامی نظام آپارتاید را هدف قرار داده بود. پیروزی انقلاب در یکی از غنی ترین و استراتژیک ترین کشورهای آفریقا می توانست خطر جدی برای سرمایه داری در سطح جهان فراهم کند. سرکوب و خفقان بیش از این نمی تواند جلوی انقلاب را سد کند و باید از ترغند های دیگری استفاده میشد. فرصت مناسبی بود که ناسیونالیسم به وظیفه تاریخی خود عمل کند، به مدد سرمایه داری بشتابد و انقلاب را در نیمه راه خود متوقف سازد. کنگره ملی آفریقای جنوبی به هدف خود که براندازی آپارتاید بود نزدیک شده بود و سازش با دکلرک رئیس جمهوری رژیم آپارتاید، این امر را تسهیل می کرد. تشکل های کارگری زیر ضربات مداوم سرکوب قرار داشتند و حزب کمونیست پرورشوری در گنجی و

مرگ نلسون ماندلا در هفته گذشته فرصتی برای مرور بر وقایع مهم سده گذشته بوجود آورد. از اولین سالهای آغازین قرن بیستم بود که جنبش علیه آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی شکل گرفت. این جنبش محدود به یک کشور و یک قاره نماند. موضعگیری در مقابل آپارتاید نژادی یک شاخص مهم در مبارزات سیاسی در کشورهای مختلف بود و مبارزات ضد آپارتاید حمایت انسانهای شریف و نیروهای آزادیخواه و مترقی را در سراسر جهان پشت سر خود داشت. نلسون ماندلا یکی از رهبران و شخصیت های برجسته جنبش علیه آپارتاید بود و نقش مهمی در سرنوشت این جنبش داشت. فقط در طول یک هفته گذشته در توصیف ماندلا هزاران مطلب در رسانه های مختلف نوشته شد و حاکمان و شخصیت های جهان از حامد کرزای گرفته تا بیل گیتس و از اوباما تا حسن روحانی در وصف او صحبت کردند. در وصف شجاعت، بخشش، نفوذ و مهربانی او گفتند و او را مظهر غرور آفریقا و قهرمان مبارزه علیه آپارتاید، نامیدند. اما کمتر کسی در مورد جنایات رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و حمایت مستقیم دولتهای مختلف سرمایه داری از این رژیم و نقش بزرگ آنها در جنایاتی که بیش از یک قرن در این کشور انجام شد، صحبت کرد. در طول بیش از یک قرن استثمار وحشیانه و غارتگری دسترنج میلیونها نفر اهالی بومی و یا مهاجرین رنگین پوست به همراه تحقیر، توهین و آزار مداوم کمترین خدشه ای به روابط اغلب دولتهای سرمایه داری با رژیم نژاد پرست وارد

## مواظب باشید، دستهایشان خونین است!

فردا قرار است هیئتی همراه این دو مقام پارلمان اروپا وارد تهران شود. ایزابل دوران معاون پارلمان اروپا و تاریا کرونبک رییس هیئت نمایندگی اروپا در امور ایران و اروپا از اعضا این هیئت هستند.

مینا احدی



درحالی شدت گرفته که ماه گذشته سه زندانی سیاسی به نام های حبیب الله گلپری پور، رضا اسماعیلی و شیرکو معارفی به اتهام محاربه اعدام شدند.

### اعدام ۴ فعال سیاسی در شادگان

هفته گذشته چهار زندانی عرب اهوازی به نام های غازی عباسی، عبدالرضا امیر خنفره، عبد الامیر مجدمی و جاسم مقدم پناه در شهرستان شادگان در جنوب غربی ایران اعدام شدند. همچنین با انتقال دو زندانی سیاسی عرب دیگر به نام های هادی راشدی، هاشم شعبانی نژاد از زندان کارون، نگرانی نسبت به اجرای احکام آنها نیز شدت گرفته است.

### اعتصاب غذای ۱۸۰۰ نفر محکوم به اعدام برای لغو احکام اعدام

۴ آذرماه با انتقال ۱۱ نفر محکوم به اعدام ۱۸۰۰ زندانی دست به اعتصاب غذا زدند، خواست آنها لغو احکام اعدام خود و هم بندیهای دیگرشان بود. این اعتصاب غذا حداقل یک هفته ادامه داشت

### یکشنبه ۸ دسامبر ۲۰۱۳ اعدام پنج زندانی در زندانهای رشت و بندرعباس اعدام شدند.

دادگستری استان گیلان، هویت اختصاری فردی که روز یکشنبه (۱۰ آذر) به جرم قتل در زندان مرکزی رشت اعدام شد را «ر. ن.» اعلام کرده است. این سایت همچنین از اعدام دو نفر با هویت اختصاری «ک.

### طی روز سه شنبه ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر !!! دستکم ۹ زندانی از زندان رجایی شهر و قزلحصار جهت اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شدند

طی ۲۴ ساعت گذشته سامان کونانی، فرزاد کونانی، حمید شکری، اکبر حیدری با اتهام قتل عمد از بند ۶ زندان رجایی شهر کرج به سلول های انفرادی بند ۵ منتقل شدند تا حکم اعدام در موردشان به اجرا در آید.

همچنین یونس کونانی از زندان قزلحصار کرج با اتهام مواد مخدر و سرقت مسلحانه به سلول های انفرادی بند ۵ زندان رجایی شهر کرج منتقل شد تا وی نیز در این زندان به دار آویخته شود. حمید عباسی از سالن ۳ بند ۱ زندان رجایی شهر کرج که به اتهام قتل به اعدام محکوم شده، دیگر زندانی ای بود که به سلول انفرادی منتقل شد.

طی ۲۴ ساعت گذشته ۳ متهم دیگر نیز جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شدند که تا لحظه تنظیم این خبر از اسامی و اتهامات ایشان اطلاع دقیقی در دست نیست. احتمال می رود صبح روز آینده حکم اعدام این ۹ زندانی در محوطه زندان رجایی شهر کرج به اجرا در آید.

### احتمال اجرای حکم حبیب لطیفی فعال سیاسی و دانشجوی معترض به حکومت بسیار زیاد است!

در روزهای گذشته نگرانی ها نسبت به اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی شدت گرفته بود، نگرانی از اجرای حکم حبیب لطیفی

حکومت فاشیست اسلامی با آنها حرف زده ام، اینست که لطفا با هیچ مقام فاشیسم اسلامی در مورد حقوق بشر حرفی نزنید. این نه معضل و امر و هدف سفر شما است و نه آنها گوش شنوایی برای این حرفها دارند. این بساط سفر و رفت و آمد و لغت و لیس برای سرمایه گذاری اتحادیه اروپا در ایران است و کوچکترین ربطی به بهبود وضع حقوق بشر در ایران ندارد. لطفا به چشم مردم خاک نپاشید، د رمورد حقوق بشر هیچ حرفی نزنید.

فقط به دستهایشان نگاه کنید و خون آخرین اعدام شدگان را در این دستها نظاره کنید، فقط به لبخند کریه اینها چشم بدوزید و یاد مادرانی بیفتید که در این ۱۰۰ روز حکومت روحانی، زار زدند و فرزندانشان را بدرقه کردند، من در اینجا بیلان کار حکومت اسلامی را در دو هفته اخیر را برایتان میفرستم لطفا اینرا در جیبتان بگذارید و بعد از ملاقاتها و دست دادنها و لبخند زدن در هتل خود جلوی آئینه ایستاده و به خودتان نگاه کنید و ببینید آیا خجالت میکشید یا نه؟ این موضوع مهمی است!!

مینا احدی  
سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

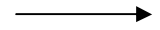
۱۱ دسامبر ۲۰۱۳

ارزیابی کرده و به طبل کوبیدند که سفر این جنابان به نفع حقوق بشر است. نه، این سفر به نفع حقوق هیچ بشری در ایران نیست. لطفا گرد و خاک نکنید! اینها با القاب حقوق بشری به ایران میروند تا راه سرمایه گذاری را هموار کنند و در همین چند ماه حکومت روحانی لام تا کام در مورد جنایات حکومت اسلامی حرف زده اند و در مقابل جنایت علیه بشریت در ایران به رهبری روحانی و خامنه ای مهر سکوت مسمم کننده ای بر لب زده اند. همین ها امروز با توافقات ژنو، کفش و کلاه کرده و برای عقب نماندن اتحادیه اروپا از قافله روانه تهران شده اند.

هیئت مزبور با قاتلین حداقل ۶۰۰ نفر اعدام شده در سال ۲۰۱۳ ملاقات خواهند کرد. این آمار فقط مربوط به اعدام شدگان است، به خاک سیاه نشستگان، تن فروشان، معتادین بی خانمانها و غیره و غیره را فعلا فاکتور میگیرم. به این جنابان نمایندگان پارلمان اروپا که در روزهای پنجشنبه و جمعه و یکشنبه و ... وارد ایران میشوند، میگویم فقط مواظب باشید دستهایشان خونین است اینرا مواظب باشید.

پیام من به این دو نفر که قبلا هم در مورد اعدامها و یا سنگسار و جنایات وحشیانه

ایزابل دوران، معاون پارلمان اروپا و تاریا کرونبک، رئیس هیئت نمایندگی اروپا در امور ایران و اروپا، به همراه تنی چند از نمایندگان که از همه احزاب سیاسی اروپا هستند، روز ۵شنبه ۱۲ دسامبر به تهران می روند. این گروه علاوه بر دیدار با مقامات ایرانی، همچون روحانی، رفسنجانی و لاریجانی، گفته اند که با تعدادی از منتقدین حکومت و از جمله نسرين ستوده و جعفر پناهی دیدار خواهند کرد تا مشروعیتی برای سفرشان کسب کنند، نگفته اند سری به قزل حصار میزنند و در يك نمایش اعدام شرکت میکنند، نگفته اند شاید بتوانند اعدام دسته جمعی در رجایی شهر و یا اعدام روزانه در شهرهای ایران و اعدام در ملاء عام را نظاره کنند و سپس سراغ داد و ستد اقتصادی بروند، نگفته اند سری به ۱۸۰۰ نفر اعتصاب کننده محکوم به اعدام در زندانها میزنند. نه اینرا نگفته اند، فقط قرار است سری به در حصر بودگان و یا نسرين ستوده بزنند و ظاهرا با این دیدارها موضوع نقض حقوق بشر در ایران را حل و فصل کنند، البته به صرف اعلام اینکه چنین قضدی دارند، اصلاح طلبان همیشه مدافع دوام و بقا حکومت اسلامی این سفرها را مثبت



## مواظب باشید، دستهایشان خونین است!

ص» و «ح. د» به اتهام نگهداری يك كيلو و چهل و پنج گرم كراك و مشاركت در حمل ۳۲ كيلوگرم ترياك خبر داده است.

سایت دادگستری هرمزگان نیز گزارش کرده که حکم اعدام دو نفر به هويت اختصاری «پ. ب. گ» و «م. ب» به جرم قتل در زندان مرکزی شهر بندر عباس به اجرا گذاشته شده است.

### سی روز از اعتصاب غذای چند زندانی اهل سنت گذشت. نامه خانواده های این زندانیان

ما خانواده‌های زندانیان جمشید دهقانی، حامد احمدی و کمال رویایی حدود چهار سال و نیم است بچه‌هایمان در زندان به سر می‌برند و تحت شکنجه‌های روحی و روانی می‌باشند و هر لحظه در معرض اعدام قرار دارند، آن‌ها نزدیک يك سال است که در زندان قزل حصار و در کنار زندانیان متهم به مواد مخدر و در شرایط سختی نگهداری می‌شوند و هرروز به بهانه‌های آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند و برای ما روشن نیست به چه جرمی در این شرایط و در زندان بسر می‌برند در حالی حداقل بر اساس اصل تفکیک جرائم می‌بایست در کنار هم پرونده‌های خود باشند و حال نزدیک يك ماه است در اعتصاب غذا به سر می‌برند و شرایط جسمی آن‌ها در وضعیت خطرناکی می‌باشد.

خونریزی شدید معده، افت فشار خون را چند بار آن‌ها را به حالت بی‌هوشی رسانده و هیچ مسئولی تا کنون برای پیگیری خواسته‌های ایشان به زندان مراجعه نکرده است تا به مشکلاتشان رسیدگی کنند.

جرم بچه‌های ما فقط سنی بودن و داشتن عقیده‌ای متفاوت است، نزدیک به پنج سال پیش تاکنون فرزندانمان یکی یکی به

حبس محکوم شدند و با بازداشت ایشان نه تنها آن‌ها بلکه ما نیز به شدت در شکنجه روحی و روانی به سر می‌بریم.

نمی‌دانیم این صدای مظلومیتمان را چطور و به کجا برسانیم و هر چه نامه نگاری کرده ایم به نهاد ها، دفتر خامنه‌ای، مجلس، رئیس جمهوری، قوه قضائیه و دادستانی، تحصن کرده‌ایم ولی کسی پاسخی نمی‌دهد و به تهدیدمان روی می‌آورند.

ما به عنوان خانواده شش زندانی محکوم به اعدام از تمام نهاد های حقوق بشری تقاضا داریم که در تلاشی مستمر و با استفاده از ابزار رسانه‌ای پیگیر پرونده فرزندانمان باشند و از تمام رسانه‌ها خواستاریم بدون تعصب صدای مظلومیت ما را به گوش وجدان‌های بیدار بشری برسانند و برای جلوگیری اعدام ایشان تلاش کنند.

### اعتصاب غذای ۲۳ زندانی با شعار نه به اعدام

متن بیانیه مشترک زندانیانی که به صورت سمبلیک در این اعتصاب جمعی حاضر هستند به شرح زیر است:

#### نه به اعدام در ایران

طی هفته های اخیر اجرای احکام اعدام توسط افراتیون حاکم بر ایران و قوه قضایه وابسته به آن افزایش یافته است. اعدامهای اخیر به خصوص اعدام زندانیان سیاسی - عقیدتی در استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان موجب نگرانی عمیق افکار عمومی، محافل سیاسی و حقوق بشری شده است و نکته تأثیربرانگیزتر آنکه این احکام طی دادرسی های ناعادلانه و ناشفاف صادر و اجرایی شده است.

تمامیت خواهان مقاصد خاص خود را از اعدام زندانیان عقیدتی و سیاسی دنبال می‌کنند که مهمترین آن پیاده‌سازی سیاست

« النصر بالرب و مشت آهنین» است.

متأسفانه قوه قضائیه بخاطر سکوت دولت تدبیر و امید و قدرت‌های غربی و نیز نادیده گرفتن پیام صلح و آشتی مردم ایران در انتخابات ۲۴ خرداد، همچنان بر نقض سیستماتیک حقوق بشر اصرار می‌ورزد که این امر می‌تواند به رشد ناامنی و خشونت منجر شود. ما تعدادی از زندانیان سیاسی گوهردهشت کرج (رجایی شهر) ضمن محکوم کردن اعدامهای اخیر، روز چهارشنبه ۱۳ آذرماه همزمان با چهلمین روز اعدام حبیب الله گلپری پور و رضا اسماعیلی مامدی با حمایت از همه اقدامات و کارزارهای داخلی و بین‌المللی برای لغو حکم اعدام در ایران، در میان دیوارهای بلند زندانهای مختلف کشور با اعتصاب يك روزه‌ی نمادین خویش فریاد برمی‌آوریم که خواستار لغو صدور و اجرای هر نوع حکم اعدامی هستیم، باشد که این ندای ما سایه نفرت، کینه و مرگ را از این سرزمین برچیند و نویددهنده زندگی، آشتی و آزادی باشد.

در خاتمه، یاد همه زندانیان سیاسی اعدام شده در ایران را گرامی می‌داریم و از کلیه نهادها و سازمانهای حقوق بشری و گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، آقای دکتر احمد شهید انتظار داریم برای جلوگیری و لغو مجازات اعدام بر کوشش و اقدامات بشردوستانه خویش بیافزایند.

اسامی زندانیان شرکت کننده در اعتصاب غذای يك روزه:

زندان رجایی شهر کرج  
۱ جعفر اقدامی (شاهین)، ۲ ناصح یوسفی ۳، کریم معروف عزیز، ۴ محمد نظری، ۵ شهرام الیاسی، ۶ لقمان مرادی، ۷ زانیار مرادی، ۸ سمکو خلقتی، ۹ آیت مهرعلی بیگلر، ۱۰ لطیف حسینی، ۱۱ افشین بایمانی، ۱۲ شاهرخ زمانی

زندان قزلحصار کرج  
۱ حامدی احمدی، ۲ جمشید دهقانی، ۳ جهانگیر دهقانی، ۴ کمال مولایی، ۵ صدیق

محمدی، ۶ سید هادی حسینی زندان ارومیه

۱ -احمدی تمویی ۲- یوسف کاکه ممی ۳- علی احمد سلیمان ۴- مصطفی علی احمد ۵- جهانگیر بادوزاده

### اعدام یک نفر در گچساران:

يك زندانی متهم به قتل در گچساران به دار آویخته شد. به گزارش واحد مرکزی خبر، رییس اداره زندان‌ها و اقدامات تأمینی و امنیتی گچساران گفت: يك زندانی ۲۸ ساله از شهرستان کهگیلویه چند سال پیش در يك درگیری يك نفر را به قتل رسانده بود.

افشین نارکی افزود: پس از رسیدگی مراحل مختلف قضایی حکم اعدام این فرد صبح امروز در محوطه اداره زندان این شهرستان اجرا شد.

### اعدام یک جوان در زاهدان ۲ دسامبر ۲۰۱۳

يکي از زندانیانی که سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۲ آذر ماه از طریق چوبه دار اعدام شد صادق احمدی نام داشت. وی به اتهام تجاوز به عنف حدود ۶ سال پیش بازداشت و به ۳۰ سال زندان در تبعید زندان مرکزی زاهدان و

اعدام در ملاء عام در کرمانشاه محکوم شده بود.

متهم دیگری که در روز سه‌شنبه از طریق حلق آویز اعدام شد ابراهیم عبدالهی نام داشت که از اتهام وی اطلاع دقیقی در دست نیست.

### اعدام ۱۵ نفر در دیزل آباد کرمانشاه و زندان مرکزی ایلام ۵ دسامبر ۲۰۱۳

سپیده دم روز پنج‌شنبه هفته گذشته ۱۵ نفر در زندان دیزل آباد کرمانشاه و زندان مرکزی ایلام اعدام شدند.

سحرگاه روز پنج‌شنبه ۱۴ آذر ماه ۷ زندانی با اتهام‌های مرتبط با مواد مخدر در زندان دیزل آباد کرمانشاه از طریق چوبه دار اعدام شدند، از هويت این زندانیان اطلاعی در دست نیست. همچنین در همین روز ۸ زندانی در زندان مرکزی ایلام از طریق حلق آویز اعدام شدند. از اتهام و هويت ایشان اطلاعی کسب نشده است.

هیچ کدام از رسانه‌های رسمی ایران تاکنون خبر اعدام‌های روز پنج‌شنبه را اعلان نکرده‌اند. اینها تنها گوشه‌ای از جنایات این حکومت ضد انسانی است. به این جنایات باید اعتراض کرد.\*

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند! حزب کسانی که حاکمیت يك اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند! این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی! به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

## آیا فریاد رسی هست؟ میخواهند فرزند دلبندم را اعدام کنند. نگذارید محمد رضا حدادی را بکشند!



مادر محمدرضا از او شنیدیم که گفت: بهر طریق ممکن کمک کنید فرزند دلبندم را نکشند. او وقتی دستگیر شد دوچرخه سواری هم بلد نبود چه رسد به دزدیدن ماشین و قتل یک مرد بالغ. عکسش را نگاه کنید او چنان نحیف و کوچک بود که آزارش به مورچه هم نمیرسید. محمدرضا قربانی شد. قربانی این توهم که میتواند با این کار به ما کمک کند. او قربانی فقر بود و اکنون قربانی قصاص میشود. آیا فریاد رسی هست، آیا نهادی میتواند پرونده را از نزدیک بررسی کند، آیا کسی صدای قلب او را میشنود که از ترس اعدام و چوبه دار بشدت به طپش درآمده، آیا کسی به داد من مادر محمدرضا میرسد؟

محمدرضا کیست؟ فقط ۱۴ سال داشت که دستگیر میشود. او در حقیقت یک بچه است که وارد یک بازی خطرناک میشود. او سرنشین یک ماشینی بوده که در آن چند نفر افراد بزرگسال برای دزدیدن ماشین، صاحب ماشین را به قتل میرسانند. به این جوان

انجام دهد آنرا فوراً در دستور بگذارد چرا که ممکنست همین روزها اعدام شود. خانواده محمدرضا و بویژه مادرش با شنیدن این خبر، بسیار نگران اجرای حکم اعدام هستند. امروز طی یک تماس با

امروز جمعه ۲۲ آذرماه ۱۳۹۲ قاضی پرونده محمدرضا حدادی در زندان عادل آباد شیراز با او ملاقات میکند و به او میگوید، برای اجرای حکم اعدام آماده باشد، و اگر میتواند کاری برای نجات خود

نحیف ۱۴ ساله بدلیل اینکه به سن قانونی نرسیده، پیشنهاد میشود که قتل را به عهده بگیرد، به او میگویند از زندان آزاد میشودی چون فقط ۱۴ سال سن داری و به ازای به عهده گرفتن قتل، چند میلیون تومان پول به خانواده تو میدهیم و چنین شد که محمد رضای نوجوان، قتل را به عهده میگیرد و در کمال ناباوری میبینند که او را به اعدام محکوم میکنند و پولی را که به او وعده داده اند، نیز به خانواده نمیدهند. ۱۲ سال است که خانواده دردمند این پسر جوان دنبال این پرونده میدوند، تقریباً همه دست اندرکاران و قاضی ها و حتی خانواده مقتول میدانند که قتل یک مرد قوی هیکل نمیتواند کار یک بچه باشد، ولی قاضی پرونده که حکم به اعدام داده میگوید حکم اعدام که داده ام، مثل تفتی است که از دهنم بر زمین میریزم، دیگر نمیتوانم جمعش کنم.

این باربا پخش علنی پرونده یک پرونده در مورد یک نوجوان ۱۴ ساله باید بکشیم که دنیا شاهد پرونده سازی و بازی سهل انگارانه با زندگی یک نوجوان بشوند که بر اساس فکر و عقل ۱۴ سالگی فکر میکنند با به عهده گرفتن یک قتل تبرئه میشود و میتواند پولی به سفره خالی خانواده اش بیفزاید.

آخرین حرف قاضی به او چند ساعت قبل در عادل آباد شیراز اینست: یا از خانواده مقتول رضایت بگیر و یا آماده اعدام شدن باش.

ما با خانواده مقتول تماس گرفتیم، آنها میگویند الان راه دیگری نیست و خواهان اعدام او هستند.

کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد کودکان مقدمند، با اعلام یک کمپین اضطراری فوری برای نجات جان محمدرضا حدادی از همگان میخواهد کمک کنند جان او را نجات دهیم.

در اطلاعیه های بعدی کل پرونده و همچنین پیام مادر و اعضای خانواده محمدرضا را برای افکار عمومی بین المللی پخش خواهیم کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد کودکان مقدمند از همگان میخواهند بهر طریق ممکن به این حکم اعدام اعتراض کنند. از مردم شیراز و مردم در ایران بویژه دعوت میکنیم به این حکم اعتراض کنند.

ما نباید بگذاریم محمدرضا را اعدام کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام نهاد کودکان مقدمند ۱۳ دسامبر ۲۰۱۳

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)  
For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)

**انترناسیونال**  
**نشریه حزب کمونیست کارگری**  
**سردبیر: بهروز مهرآبادی**  
**مسئول فنی: نازیلا صادقی**  
**ای میل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)**  
**انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود**

### مردم!

اگر میخواهید از فقر و محرومیت و حسرت خلاص شوید،  
اگر میخواهید بساط جنایت و اعدام برای همیشه برچیده شود،  
اگر میخواهید تحقیر و تبعیض و آپارتاید جنسی علیه زنان،  
این سنت توحش اسلامی و عهد عتیقی از صحنه جامعه برچیده  
شود، اگر از زندان و سرکوب و خفقان به جان آمده اید،

به حزب کمونیست کارگری پیوندید

حزبی که انقلاب برای سرنوشت جمهوری اسلامی و برپایی  
جامعه ای آزاد، شاد و مرفه و انسانی فلسفه وجودیش را میسازد